



عقلانیت دینی

نویسنده: معرفت، محمد هادی

اطلاع رسانی و کتابداری :: بازتاب اندیشه :: فروردین و اردیبهشت 1379 - شماره 1 و

2

از 107 تا 109

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/37843>

دانلود شده توسط : محمدامین رضانی

تاریخ دانلود : 1393/06/03 18:29:48

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

عقلانیت دینی

آیت الله معرفت

اطلاعات، ۹، ۱۰/۲/۷۹

چکیده: در این گفتگو، آیت الله معرفت به تبیین جایگاه فلسفه در دین، شرایط استفاده از آن در فهم معارف قرآنی و نقد مبانی مکتب تفکیک می‌پردازد و عواقب سوء حذف تفکر فلسفی را بر می‌شمارد.

آیا می‌توان از فلسفه به عنوان ابزاری برای فهم دین و قرآن استفاده نمود؟ آری؛ ولی مکتب تفکیک این کار را جایز نمی‌داند. این نزاع در حقیقت همان نزاع اشاعره و معتزله است. باید بگوییم قرآن کتابی دارای جنبه‌های ادبی، تاریخی، عقلی، فقهی و... است و ورود در هر جنبه‌ای ابزار ویژه‌ای می‌خواهد. به عنوان مثال برای بررسی

جنبه ادبی و فهم ظاهر کلام باید قواعد عربی را دانست. به همین ترتیب فهم مطالب عقلی قرآن و حتی سنت محتاج فلسفه است. آیا می‌توان این جمله علیؑ را که می‌فرماید: «مَنْ قرنه فقد ثناه ومن ثناه فقد جزّاه» بدون قواعد عقلی فهمید؟ هرگز. البته استفاده از علوم نباید به معنای تحمیل آنها بر قرآن گرفته شود؛ بلکه باید به عنوان ابزار، آن هم توسط آگاهانی همچون علامه طباطبایی و شهید مطهری به کار رود. همچنین چون قرآن دارای ثبات است و علوم متغیرند نباید دخالت علوم در فهم قرآن از حدّ احتمال فراتر رفته، لباس قطعیت بپوشد و اما این ادعا که چون پیش از اسلام فلسفه مدوّن امروزی وجود نداشت، پس فهم قرآن نیازمند این علم نیست کاملاً غیر منطقی است؛ زیرا ادبیات نیز که دانستن آن شرط فهم معانی قرآن است از علوم تدوین شده پس از نزول کامل قرآن می‌باشد و اگر گفته شود ادبیات امری ارتكازی بود، در پاسخ می‌گوییم قواعد فلسفی نیز پیش از اسلام مورد بحث قرار داشتند؛ بنابراین

حادث بودن این علم نباید مانعی تلقی شود.

به نظر می‌رسد دلیل واقعی پیروان مکتب تفکیک، ذوق اخباری‌گری و ادعای لزوم تمسک به ظواهر و تعبد به آنهاست؛ حال آنکه قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴). تبیین وحی که در آیه و وظیفه پیامبر ﷺ شمرده شده است، به معنای آگاهی‌دادن است؛ نه صرف تبلیغ و مسأله‌گویی و وظیفه مسلمانان نیز تفکر شمرده شده است؛ نه تعبد محض. طرح این اشکال نیز که این تفکر ممکن است به دریافتهایی غیر از ظواهر قرآن بینجامد که در این صورت اعتبار این تفکر به معنای تجویز انکار وحی است صحیح نیست؛ زیرا خداوند می‌داند که تفکر انسان عاقل و بی‌طرف و دارای فطرت سالم جز آنچه وحی می‌گوید نخواهد بود. آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴) نیز که خطاب آن متوجه همه است، نه خصوص عرب‌زبانان و تعبیری مانند: «إِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَإِيَّاكَ أُتَيْبُ وَإِيَّاكَ أَمُرُ وَإِيَّاكَ أَنْهِي» و یا «مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَمَا جَعَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ» همه گواه این مطلبند که شرع مؤید عقل می‌باشد و از سوی دیگر آنچه مبانی و موازین شرع را تعیین می‌کند، عقل است؛ بنابراین نفی آن فاجعه‌ای بزرگ و بازگشت به دوران جمود و نفی قرآن و ظلم به دین است.

اشاره

۱. گوینده محترم ظاهراً عقل و قواعد عقلی را با «فلسفه» اصطلاحی کاملاً هم‌معنا و برابر دانسته‌اند، حال آنکه امروزه سخن در حضور عقلانیت در حوزه دین نیست، بلکه اختلافات به معانی، کارکردها و حوزه دخالت عقل در معارف دینی باز می‌گردد. ایشان در تفکیک و تحلیل این ابعاد تلاش نکرده است.
۲. دست‌کم در دو جای مقاله تأکید شده است که بازکردن پای علوم - به طور کلی، نه خصوص علوم تجربی، حتی فلسفه - باید به صورت بیان احتمال باشد نه قطع؛ زیرا این کار موجب تحمیل بر قرآن است. اگر چنین است پس در مورد

علم ادبیات نیز که تعیین‌کننده ظواهر کلام است باید چنین رفتار شود؛ حال آنکه در موارد بسیار زیادی به طور قطع ادعای ظهور می‌کنیم و اساساً اگر قاعده‌ای عقلی داشتیم که مبرهن است، مانند قواعد فلسفی مبنی بر نفی ترکیب و جسمانیت از ذات واجب تعالی، آیا باید تأویل آیات دال بر جسمانیت خدا را امری لازم بشمریم یا احتمالی؟ آیا با وجود قاعده عقلی مسلم، جای این احتمال که «یدالله» به معنای دست جوارحی محسوس است به معنای تشکیک در خود قاعده نیست؟



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی